

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۲ - ۷۹

بررسی عرفانی مصادیق صراط مستقیم از دیدگاه امام خمینی (ره)

پوران باقری افشار^۱

مریم بختیار^۲

علیار حسینی^۳

چکیده

صراط مستقیم از امور بسیار مهمی است که حضرت امام خمینی (ره) به آن توجه زیادی داشته و در بیانات و آثار قلمی خویش، به زبان عامیانه و عارفانه از آن سخن گفته‌اند و سعادت آدمی را در گرو قرار گرفتن در صراط مستقیم و حرکت و رشد و ثبات و بقاء در آن می‌دانند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی به مصادیق صراط مستقیم برای اهل سلوک و نیز کسانی که وارد طریق سلوک نشده‌اند، از دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته شده است. منظور ایشان از مصادیق صراط مستقیم برای اهل سلوک، رسول خدا (ص)، ائمه هدی (ع) و امیرالمؤمنین (ع)، انسان کامل و فاطمه زهرا (س) است و برای کسانی که وارد طریق سلوک نشده‌اند، مصادیق صراط همان ظاهر شریعت است که به اموری همچون دین، اسلام، عدالت، انسانیت و سیاست تفسیر شده است. انسان با مدد جستن از مصادیق مذکور است که می‌تواند از انحراف به دور باشد و به مقصد و وصال یار نائل شود. جامعیت کتاب الهی و حالت استثنائی و اعجاز گونه قرآن باعث شده است که فراتر از تقسیم‌بندی رایج برای مصادیق صراط مستقیم باشد و در عین حال تمامی اقسام مصادیق صراط مستقیم را هم شامل بشود.

واژگان کلیدی

صراط، مستقیم، سبیل، امام خمینی، مصادیق، عرفان.

۱. گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hadi.taheri@religacion.com

۳. گروه معارف اسلامی، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۵

طرح مسأله

اهمیت صراط مستقیم را می‌توان در این جمله‌ی امام خمینی (ره) به وضوح مشاهده نمود، آنجایی که می‌فرماید: «تمام انبیا از صدر عالم تا آخر برای این آمده‌اند که این آدم را از راه کج و راه‌های باطل به صراط مستقیم انسانیت هدایت کنند». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۶۹) درباره صراط مستقیم و مصادیق آن از منظر کتاب و سنت و از دیدگاه ابن عربی و سایر عرفا کتب و مقالاتی نگاشته شده است؛ ولی به اندیشه‌ها و افکار حضرت امام (ره) در این زمینه پرداخته نشده است که پژوهش حاضر این رسالت را عهده‌دار شده و با این هدف انجام شده است.

در مورد صراط مستقیم نیز امام خمینی (ره) به لحاظ مفهومی و مصداقی و با توجه به شرایط و نیازها و اقتضای حال مخاطبان خویش - از عوام گرفته تا خواص و اندیشمندان - سخن گفته‌اند. ایشان در هنگام بحث از صراط مستقیم اهل تکلیف را به دودسته‌ی کَمَل و غیر کَمَل تقسیم نموده و دسته‌ی اول (اهل کَمَل) را با توجه به مقامات و کمالاتی که دارند، بی‌نیاز از این بحث‌ها دانسته‌اند؛ چراکه اینان خود مصداقی از مصادیق هدایت و صراط مستقیم محسوب می‌شوند؛ اما غیر کَمَل (غیر اهل معرفت) نیز به دو گروه تقسیم می‌شود: دسته‌ی اول کسانی هستند که وارد طریق سلوک نشده‌اند و صراط آن‌ها ظاهر شریعت است و دسته‌ی دوم اهل سلوک هستند که مقصود از صراط مستقیم برای آن‌ها، نزدیک‌ترین راه وصول الی الله است که همانا راه رسول اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام) است. (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۷)

پژوهش حاضر پس از مفهوم‌شناسی و بیان معنای سبیل و صراط، به بررسی مصادیق صراط مستقیم برای دو گروه فوق‌الذکر پرداخته است و به مناسبت مباحث گوناگون، متعرض مکاتب پلورالیسم، اومانیزم و ماکیاولیسم نیز شده است. جامعیت قرآن کریم و عمومیت اعجاز گونه آن باعث شده است که فراتر از تقسیم‌بندی رایج برای مصادیق صراط مستقیم باشد و تمامی اقسام مصادیق صراط مستقیم را هم شامل بشود. به همین دلیل قرآن کریم مبحث مستقلی را به خودش اختصاص داده است.

مفهوم صراط مستقیم

برخی علما ریشه‌ی صراط را از ماده‌ی «ص ر ط» که به معنای بلعیدن است می‌دانند به معنای راه روشن. علامه طباطبایی می‌فرماید: «کلمه‌ی صراط به معنای راه روشن است؛ زیرا از ماده‌ی «ص ر ط» که به معنای بلعیدن است گرفته شده است و راه روشن مانند اینکه رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خویش فرو برده که دیگر نمی‌تواند این سو و آن سو منحرف شود و نیز نمی‌گذارد که از شکمش بیرون شود؛ و معنای صراط مستقیم هم به معنای هر چیزی است که بخواهد روی پای خود بایستد و بتواند بدون اینکه به چیزی تکیه کند بر کنترل و تعادل خود و متعلقات خود مسلط باشد مانند انسان ایستاده‌ای که بر امور خود مسلط است در نتیجه برگشت معنای مستقیم به چیزی است که وضعیتش تغییر و تخلف پذیر نباشد. پس معنای صراط مستقیم عبارت می‌شود از: صراطی که در هدایت مردم و رساندنشان به سوی غایت و مقصدشان تخلف نکند و صد در صد این اثر خود را ببخشد.» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۳)

در معنای صراط راغب می‌گوید: «صراط به معنای راه مستقیم و راست است و توصیف صراط به مستقیم برای تأکید هر چه بیشتر بر مستقیم بودن صراط است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۲۳) امام خمینی نیز صراط را «عبور گاه مردم به سوی بهشت» می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۴۶) از نظر امام خمینی صراط راه روشنی است که رهرو خود را به سوی خدا می‌رساند و تنها راهی است که آدمی را به لقاء... می‌رساند صراط مستقیم است. تنها در صراط بودن و در راه بودن، آدمی را به مقصد نمی‌رساند؛ بلکه باید در راه مستقیم در صراط مستقیم قرار گرفت و انحراف به راست و چپ نداشته باشیم.

تفاوت صراط و سبیل و طریق

در قرآن کریم واژه‌ی «صراط» فقط به صورت مفرد آمده است پس فقط یک صراط داریم و آن هم صراط مستقیم است، صراط یک راه بیشتر نیست راهی که به خداوند متعال ختم می‌شود و راهی که به خداوند ختم می‌شود، یقیناً پایانش خیر است. در حالی که «سبیل» در قرآن به صورت جمع «سبیل» نیز آمده است (عنکبوت: ۶۹ و نحل: ۶۹ و انعام: ۱۵۳) «صراط» فقط در راه‌های معنوی بکار رفته است، در حالی که «سبیل» هم در راه‌های مادی

«وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا» (زخرف: ۱۰) و هم راه‌های معنوی: «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نور: ۲۲) بکار رفته است. «سبیل» هم برای خیر و شر و صراط فقط برای امور خیر بکار رفته است. طریق نیز مانند سبیل متعدد است و جمع آن طرق است و راهی است که ممکن است هم برای کار خیر و هم شر پیموده شود. در قرآن آمده است: «إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ» (نساء: ۱۶۹) و نیز «يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (احقاف: ۳۰) که هم به راه جهنم و هم به معنای راه مستقیم آمده است. پس صراط، سبیل و طریق هر سه به معنای راه می‌باشند ولی هر سه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و در واقع صراط مانند راه و شاهراه اصلی است که دیگر راه‌های فرعی از جمله طریق و سبیل به آن منتهی می‌شود.

وحدت یا تکثر صراط مستقیم

در بحث از مصادیق صراط مستقیم، ناگزیر از پرداختن به مبحث وحدت یا تکثر صراط مستقیم هستیم. با عنایت به اقسام پلورالیسم می‌توان گفت که پلورالیسم رفتاری و حقوقی (به معنای مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان دیگر) و پلورالیسم فرجام شناختی و نجات (به معنای امکان اهل نجات بودن ادیان مختلف) فی‌الجمله قابل‌پذیرش و دفاع هستند؛ گرچه توجه ما از لزوم مدارا و پرهیز از خشونت با پیروان ادیان دیگر به بهانه نبرد حق و باطل و همچنین توجه ما برای امکان اهل نجات بودن پیروان ادیان دیگر از باب جاهل قاصر و مقصر، با دیدگاه پلورالیستی رایج در این دو زمینه تفاوت دارد؛ اما پلورالیسم دینی و معرفت‌شناختی (به معنای بر حق بودن همه ادیان و شرایع از نظر صدق منطقی و مطابقت با واقع) قابل‌قبول و پذیرش نیست؛ زیرا اگر همه ادیان حق و مطابق با واقع باشند، در این صورت نظریه تناسخ و معاد درباره زندگی پس از مرگ، توحید، تثلیث و ثنویت در مباحث خداشناسی باید صحیح باشند که در این حال، اجتماع نقیضین لازم می‌آید.

آیات فراوانی از قرآن کریم مانند «جهانی بودن اسلام» (سبأ/۲۸)، «جهانی بودن قرآن» (فرقان/۱)، «بطلان باورهای ادیان تحریف‌شده» (نساء/۱۷۱) و «دعوت اهل کتاب به اسلام» (مائده/۱۹) به دلالت التزامی کثرت‌گرایی دینی را نفی می‌کنند. (اسلام‌شناسی، ۱۳۹۸، ش، صص ۲۹۱-۲۹۸)

بنابراین تعدد مصادیق صراط مستقیم مستلزم تعدد و تکثر خود صراط مستقیم و

حقیقت آن نیست و تکرر صراط مستقیم به منظور توجیه نجات بخشی و یا حقانیت بخشی به همه ادیان و مکاتب الهی و بشری، امری است که فاقد هیچ گونه پشتوانه و دلیل عقلی و نقلی می‌باشد. (ر.ک: ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۳۲؛ اسلام‌شناسی، ۱۳۹۸ ش، ص ۲۹۸)

جامعیت اعجاز آور قرآن در بحث مصادیق صراط مستقیم

خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.» (مائده: ۱۵ و ۱۶) حقا از جانب خداوند، نوری و کتاب آشکاری به سوی شما آمد خداوند به وسیله آن نور و کتاب آشکار کسانی را که از رضا و خشنودی او پیروی می‌کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌نماید و با اذن خود و علم خود آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌کشاند و به سوی راه راست هدایت می‌کند. از پیامبر (ص) درباره‌ی صراط مستقیم روایت شده است: «صراط مستقیم کتاب خداست». (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱؛ ص ۵۸) امام (ره) می‌فرماید: بعضی به ظواهر علوم قرآن بسنده می‌کنند و استفاده‌ی آن‌ها از قرآن همان دستورات ظاهری است و برخی از اهل باطن هم به گمان خود از ظاهر قرآن که راه وصول به باطن قرآن است هم غافل هستند. امام (ره) قرآن را صراط مستقیمی می‌داند که این دو گروه از نور هدایت آن محروم هستند: «پس این دو طایفه هر دو از جاده‌ی اعتدال خارج و از نور هدایت به صراط مستقیم قرآنی محروم و به افراط و تفریط منسوب‌اند و عالم محقق و عارف موفق بایستی قیام به ظاهر و باطن کند و به ادب‌های صوری و معنوی متأدب گردد، چنانچه ظاهر را به نور قرآن منور می‌کند، باطن را نیز به انوار معارف و توحید و تجرید آن نورانی کند» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۴۵) چگونه ممکن است قرآن صراط مستقیم نباشد، درحالی که ۴۵ بار واژه‌ی صراط در آن استعمال شده است؟ درحالی که اشاره به مصادیق عینی صراط دارد و اوصاف صراط و عوامل هدایت به صراط را بیان می‌کند. قرآن کریم و تمام آیات آن نور و روشنای راه هستند. آیات قرآن هم روشنای صراط مستقیم است و هم خود صراط مستقیم است. علامه حسن‌زاده نیز قرآن را صراط مستقیم دانسته و می‌فرماید: «قرآن صراط مستقیم است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۱، ج ۱: ص

نکته مهم و اساسی درباره کتاب خدای متعال جامعیت فوق‌العاده آن در مبحث صراط مستقیم و مصادیق آن است؛ چراکه قرآن کریم نه تنها مصداق بارز صراط است، بلکه منبع هدایت و راهنمای همه انسان‌ها در مسیر سلوک به سوی خالق متعال می‌باشد. علاوه بر این کتاب الهی هم مصداق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک است و هم مصداق برای اهل سلوک و فراتر از تمام این‌ها مصداق صراط مستقیم برای اهل کُفُل و کسانی است که خود مصداقی برای صراط مستقیم و اسبابی برای هدایت بقیه انسان‌ها به راه مستقیم سعادت و کمال هستند؛ بنابراین جامعیت کتاب الهی و حالت استثنائی و اعجاز گونه آن باعث شده است که فراتر از تقسیم‌بندی رایج برای مصادیق صراط مستقیم باشد و درعین حال تمامی اقسام مصادیق صراط مستقیم را هم شامل بشود.

پس از مفهوم شناسی صراط مستقیم و بیان تفاوت سبیل و صراط و طریق و بحث از وحدت یا تكثر صراط مستقیم و بیان جامعیت اعجاز آور قرآن کریم در مبحث مصادیق صراط مستقیم، اکنون مصادیق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک بیان می‌گردد.

الف: مصادیق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک

۱. دین صراط مستقیم

آیات بی‌شماری در قرآن کریم وجود دارد که در آن قوانین را به قانون و حکم را به خداوند منحصر کرده است. قانون خدا نیز همان قوانین دین اسلام است. خدای متعال دین خود را از طریق انبیا برای انسان‌ها فرستاد تا در طی مسیر، راه را گم نکنند و با اطاعت از فرامین خداوند در صراط مستقیم باقی بمانند. قوانینی همیشگی برای تمام دوره‌ها و برای تمامی انسان‌ها. چراکه قانون و دین خدای متعال، یکی است، دو تا نیست. طریحی می‌گوید: «صراط مستقیم دین واضح است» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۵۹) قرآن کریم صراط مستقیم را دین الهی معرفی می‌کند: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۶۱) پروردگرم مرا به راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای و از مشرکان نبود.

در اندیشه‌های امام خمینی (ره) «دین قانون بزرگ خداوند است قانونی که از روی

عدالت الهی پیداشده است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۴۲۵) ایشان می‌فرمایند: «کسی جز خدا حق حکومت بر کسی ندارد و حق قانون‌گذاری نیز ندارد و اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده و این قانون برای همه و برای همیشه است» (امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۸۴) از نظر امام آسایش و آرامش سعادت آدمی در اطاعت و عمل به دین است و بارها در کتب و بیاناتشان، سعادت آدمی را در گرو قرار گرفتن در مسیر صراط مستقیم دانسته‌اند. پس از نظر ایشان دین یکی از مصادیق صراط مستقیم است، دین همان چراغ راه روشنی است که جلوی پای آدمی را روشن نگاه می‌دارد به آدمی حد و مرز قانون خداوند را نشان می‌دهد دین همان راه مستقیمی است که انسان را از راه راست و چپ که منحرف‌اند به سمت جاده‌ی مستقیم هدایت می‌کند. امام (ره) در تفسیر «**أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**» می‌فرماید: «یعنی هدایت کن ما را به راه راست که آن دین اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۵) ایشان در رساله توضیح المسائل راه راست را دین اسلام ذکر کرده‌اند «آن صراط مستقیمی که هرروز طلب هدایت آن را از خداوند داریم همان دین اسلام، دین توحید است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ص ۱۵۸)

امام (ره) اطاعت از شریعت و دستورات و قوانین خداوند را صراط مستقیم معرفی کرده و می‌فرمایند «آن چیزی که صراط مستقیم است، آنی است که بر روشی که خدای تبارک و تعالی فرموده است به آن روش عمل شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۲۷) پس انسان باید قدم در راه خدا در راهی که مطابق با دستورات و احکام دین خدا است بگذارد و با اطاعت و عبودیت و پیروی از احکام و دین خداوند می‌تواند موانع را از سر راه خود بردارد و با مدد و توفیق و عنایت خداوندی در صراط مستقیم باقی و پایدار بماند. همچنان که حضرت امام خمینی (ره) عنایت ازلیه را از مهم‌ترین و لازم‌ترین راه‌های دستیابی به صراط مستقیم می‌داند و می‌فرماید: «پس در سیر مستقیم، عنایات ازلیه و عطفات و مراحم سرمدیه و اوضاع پاک و محیط و فضای صاف و کرامات تامه لازم است.» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۵)

۲. اسلام صراط مستقیم

دین خدا راه روشن و صراط مستقیمی است که از سوی خداوند به وسیله پیامبران آورده شده است و کامل‌ترین دین الهی در تمامی عصرها دین اسلام است و دین اسلام است که راه مستقیم و سعادت را به بشر نشان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) و نیز می‌فرماید: «فَمَنْ يَرِدِ اللَّهَ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ... * وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ» (انعام: ۱۲۵ و ۱۲۶) پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید... * و راه راست پروردگارت همین است ما آیات خود را برای گروهی که پند می‌گیرند به روشنی بیان نموده‌ایم؛ و در سوره‌ی زخرف می‌فرماید: «فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» (زخرف: ۴۳ و ۴۴) آنچه را بر تو وحی شده محکم گیر که تو بر صراط مستقیمی و این یادآوری تو و قوم تو است و به زودی سؤال خواهید شد. وحی خدا همان قرآن کریم معجزه‌ی آخرین پیامبر خدا، دین اسلام و صراط مستقیم است.

امام خمینی می‌فرماید: راه مستقیم راه اسلام است و شما هر روز از خدا می‌خواهید که ما را به صراط مستقیم هدایت کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۶۹) ایشان صراط مستقیم را اسلام می‌داند و آن را ریسمان خدای داند و آن را راهنمای انسان و سازنده‌ی انسان می‌داند. «حبل‌الله اسلام است صراط مستقیم اسلام است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ص ۱۶۷) «اسلام دین فطرت و رهایی‌بخش از قیدوبندهای طبیعی و وسایل شیاطین جن و انس در نهان و ظاهر است و اسلام راهنمای صراط مستقیم لا شرقیه و لا غربیه است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۱۵۸)

اسلام بالاترین و منزه‌ترین مکتب‌هاست، راه سعادت و نیکبختی و صراط مستقیم انسان است، راهی است که ختم آن لقاء... و رسیدن به بهشت است. انسان با قرار گرفتن در صراط مستقیم اسلام می‌تواند ترقیات معنوی را طی کند و به سعادت برسد. اسلام خداوند را به ما معرفی می‌کند و به ما عرفان را می‌آموزد؛ چراکه به قول امام (ره) «عرفان اسلام است، معرفت اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۲۹۸) پس برای شناخت

واقعی و عرفان، شناخت توحید و یکتاپرستی و شناخت خداوند که هدف و غایت نهایی عرفان است، ناگزیر باید در مسیر اسلام و صراط مستقیم اسلام قدم برداریم؛ چراکه اسلام دین توحید و یکتاپرستی و یکتا خواهی و دین تسلیم در بارگاه ذات باری تعالی است.

امام (ره) اسلام را بزرگ‌ترین نعمت دانسته و می‌فرماید: «راه خدا مستقیم است، صراط و راه آن‌هایی که خداوند به آن‌ها منت گذاشته است و نعمت عطا فرموده است، نعمت اسلام بزرگ‌ترین نعمت. شما بر همین راه مستقیم در همین راهی که آمدید و برای اسلام آمدید و برای پایداری از اسلام آمدید این راه مستحکم است راه پایداری از اسلام راه مجاهده در راه اسلام در راه خدا، این راه مستقیم است. این همان صراط مستقیمی است که شما در نماز از خدا می‌خواهید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج، ص ۳۶۸)

امام (ره) قرار گرفتن در راه اسلام را رسیدن به مقصد می‌داند: «چنانچه در این راه مستقیم که راه اسلام است وارد شوید شما تا آخر عمرتان و همه کسانی که نماز تا آخر عمر خوانده‌اند از خدا خواسته‌اند روزی چند مرتبه که «اهدنا الصراط المستقیم» که ما را به صراط مستقیم هدایت کن عمده این است که انسان وارد شود در آن راهی که باید سیر کند چه مسیرهای معنوی و چه سیرهای مادی» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۷۴)

۳. عدالت صراط مستقیم

یکی از عالی‌ترین برداشتها و نگرشها نسبت به مفهوم عدالت، صراط مستقیم بودن عدالت از نظر امام (ره) است. همان‌طور که می‌دانیم عدالت به معنای میانه‌روی و حد وسط و اعتدال است. یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی و از صفات بارز سالک راه خدا، رعایت عدل و عدالت است؛ چراکه عدالت صفت حق تعالی است و انسان تجلی صفات خداوند، و سالک با رعایت عدالت است که می‌تواند انسان کامل باشد.

در دید عرفانی امام (ره) عدالت به‌مثابه‌ی خط مستقیمی است که می‌تواند انسان سالک را به کمال و به هدف و مقصود که لقاء... است برساند حرکت در صراط مستقیم، حرکت در مسیر اعتدال و عدالت است و در همین سیر عدالت است در همین سیر صراط مستقیم است که تعدیل قوا صورت می‌گیرد «چراکه تعدیل قوای نفسانی غایت کمال انسانی و منتهای سیر کمالی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳) و «اگر از نقطه‌ی

عبودیت تا مقام قرب ربوبیت تمثیل حسی کنیم بر خط مستقیم وصل شود پس طریق سیر انسان کامل از نقطه‌ی نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است و اشارات بسیاری در کتاب و سنت الهی بدین معنی است چنانچه صراط مستقیم که انسان در نماز طالب آن است همین سیر اعتدالی است و این که در احادیث شریفه است که «صراط از موباریک‌تر و از شمشیر تیزتر است» برای همان است که حد اعتدال وسطیت حقیقه را دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲)

از دیدگاه امام خمینی «اعتدال حقیقی جز برای انسان کامل که از اول سیر تا منتهی النهایه وصول هیچ منحرف و معوج نشده است برای کسی مقدور و میسر نیست و آن به تمام معنی خط احمدی و خط محمدی است و دیگران از سایرین سیر به تبع کنند نه به اصالت» (همان، ص ۱۵۳) از نظر امام خمینی عدالت برای اهل سلوک و برای عارف به‌مثابه‌ی تجلی معارف الهیه در قلب او و عدالت در آن عبارت است از «عدم احتجاب از حق به خلق و از خلق به حق و به عبارت اخری، رؤیت وحدت در کثرت و کثرت در وحدت و این مختص به کمال اهل ... است» (امام خمینی ۱۳۸۵: ص ۱۴۸)

پس تا در وجود خود آدمی، در عقاید و افکار و اعضا و جوارح انسان عدالت نباشد صراط مستقیمی نیز وجود ندارد و انسان منحرف است به کجی‌ها و ناراستی‌ها. همچنان که امام می‌فرماید: «اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد برگردان آن عقاید کج به یک عقیده‌ی صحیح صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۴۸۱) و از راه عدالت الهی، این راه مستقیم است که انسان می‌تواند مدارج کمال معنوی را طی کند و به هدف اصلی و عنایت نهایی دست پیدا کند و می‌تواند انسان بشود که در وجود خویش «قوا را تعدیل کند و افراط و تفریط را به مقام عدالت بیاورد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۳، ۴۶۸)

۴. انسانیت صراط مستقیم

انبیا آمده‌اند تا انسان را که شیطان قسم یاد کرده است که او را از راه مستقیم به کجی و ناراستی اغوا کند، نجات دهند و انسان را در صراط مستقیم انسانیت قرار بدهند. امام (ره) هدف انبیای الهی و مأموریت پیامبران را از صدر عالم تا آخر را تربیت و تکامل انسان

می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸ ص ۳۲۵) امام خمینی انسانیت را صراط مستقیمی می‌داند که اگر کسی برخلاف آن گام بردارد از صراط مستقیم دور و دورتر می‌شود. «انسانیت یک راه مستقیمی است، یک راه مستقیم که اگر از این ور کسی برود معوج است و برخلاف انسانیت است؛ اگر از آن ور هم برود برخلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرده و راه مستقیم نرفت هر چه پیش برود دور می‌شود از راه انسانیت، مثل این می‌ماند که یک خط مستقیم بکشید، دو خط این‌طور، هر چه خط جلوتر برود از خط مستقیم دور می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۹، ص ۴)

از دیدگاه امام (ره) آنچه انسان را در صراط مستقیم انسانیت نگه می‌دارد علم و عمل است. «علم تنها اثر ندارد بلکه گاهی مضر است، عمل بدون علم بی‌نتیجه است علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۲۶۷) شناخت و معرفت خدا هدف انسان است؛ اما شناخت خداوند نیز در گرو شناخت انسان است. امام (ره) در این باره به روایت: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» اشاره می‌کند (آشتیانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۴۷) و می‌فرماید: «این روایت به ما می‌فهماند که انسان آن‌طور موجودی است که اگر شناخته شود شناسایی خدا با این است. رب انسان را کسی نمی‌تواند بشناسد الا اینکه خودش را بشناسد و خود شناسایی که به دنبالش خدا شناسایی است حاصل نمی‌شود مگر برای اولیای خدا» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۱، ص ۴۲۲)

پس انسان نمی‌تواند به شناخت خود و در نتیجه به شناخت خداوند برسد مگر آن‌که در صراط مستقیم انسانیت قرار گرفته باشد. این انسانی که عالم صغیر است، این انسانی که اشرف مخلوقات است، این است که تجلی اسماء و صفات خداوند است، اگر در جاده‌ی مستقیم در صراط مستقیم انسانیت قرار نگیرد اگر تربیت نشود «از همه‌ی حیوانات درنده‌تر و موزی‌تر است» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ص ۴۲۳) چراکه رسیدن به رشد و کمال انسانیت مرهون جلوگیری نفس از شهوات و لذات است. سلامت و صحت نفس اعتدال در طریق انسانیت و حرص و ستم آن اعوجاج از طریق و انحراف از جاده‌ی انسانیت است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۷) البته انسان «هیچ‌گاه از خود نباید غفلت کند و به کمال خود نباید مغرور شود و از خود و احوال نفس خود و مراعات آن نیز نباید نسیان کند و در جمیع

احوال از تمسک به عنایات خفیه حق تعالی غفلت نکند و به خود و سلوک و ریا منت و علم و تقوای خود به هیچ وجه اعتماد نکند که از بزرگ‌ترین مهالک انسانیت و وسوس شیطان است که مهالک را از یاد خود نیز می‌برد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ص ۵۲) چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: ۱۹) تا برسد به «مقام استقرار و تمکین و رجوع به کثرت با حفظ وحدت که آن آخرین منازل انسانیت است» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۳) و رسیدن به آخرین منازل انسانیت رسیدن به حقیقت انسان است؛ چراکه «در سرتاسر نظام عالم غیر از حقیقت انسانیت چیزی دیگری نیست و شخصی که عالم به حقیقت انسان باشد در این صورت او به جمیع حقایقی که تمام عالم را پر کرده عالم خواهد بود» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۳) «خروج از عالم طبیعت، منتهای کمال عالیه برای انسان است ولی رسیدن و منتهی شدن به این کمال در صورتی است که انسان این راه مستقیم را رفته و سلامت از اعوجاج داشته باشد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۳)

امام (ره) بارها در دعاهایشان صراط مستقیم انسانیت که «سیر الی الاسم الجامع و رجوع به حضرت اسم الله اعظم است و از مغضوب علیهم و الضالین خارج است» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۶) را از خداوند متعال خواسته‌اند: «خداوند همه‌ی ما را به طریق مستقیم انسانیت هدایت فرماید.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۳۷) و برای قرار گرفتن در صراط مستقیم انسانیت باید موانع را از بین برد تا به کمال انسانیت و به لقاء... رسید و «میزان در کمال انسانیت و حقیقت آن، عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب الله با مرقات نماز است» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۹) چراکه «نماز مرکب سلوک و براق سیر الی... است» (همان)

اندیشه‌های اومانستی و نیهیلیستی با اندیشه‌های امام (ره) در تقابل هستند. اندیشه‌ی افراطی اومانستی، انسان را محیط بر نظام هستی می‌داند و تعالیم الهی را مانع دستیابی انسان به کمال واقعی خویش می‌پندارد و اندیشه‌ی تفریطی نیهیلیستی و جبرگرایانه، انسان را موجودی پوچ و بی‌معنا و بی‌اختیار می‌انگارند و بهره‌ای از اعتدال ندارند؛ اما امام (ره) با نگرشی اعتدالی، انسان را دارای ابعاد مختلفی می‌داند که هر جنبه‌اش احتیاج به رشد و

کمال دارد و این رشد و تعالی در سیر من الله الی الله اتفاق می‌افتد. نه با نگاه استقلالی، خودمحورانه و خدایندارانه به انسان که او را مسیر، هدف و غایت نهایی برای رشد و کمال سایر موجودات و اسباب عالم هستی بیندازد که فراتر از او هدف و غایت و موجودی را تصور ننماید. (نک: شهریار زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۵۳-۵۴؛ تونی دیویس، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷)

۵. سیاست صراط مستقیم

انبیا آمده‌اند تا مردم را به سوی خداوند متعال به سوی صراط مستقیم هدایت کنند و امام خمینی این هدایت را سیاست انبیا می‌داند و از آن تعبیر به صراط مستقیم می‌کند و این سیاست را مختص انبیا و بعد از آن ائمه معصومین علیهم السلام و به تبع علمای بیدار اسلام دانسته و می‌فرماید: «انبیا می‌خواهند ملت را، اجتماع را، افراد را هدایت کنند، راه ببرند در همه‌ی مصالحی که از برای انسان متصور است، از برای جامعه متصور است همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ما هی در نماز می‌گوییم ملت را، اجتماع را، اشخاص را، راه برد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود، الی الله است سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه برد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست، دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند، این مختص به انبیاء و اولیاست و به تبع آن‌ها به علمای بیدار اسلام» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۶)

امام خمینی در واقع سیاست حقیقی را همان صراط مستقیم می‌داند، سیاستی که هیچ‌گونه انحراف و لغزشی در آن وجود ندارد؛ و سیاست واقعی را (نه سیاست حیوانی یا شیطانی) در واقع سیر و سلوک الی ... می‌داند که با بندگی انسان شروع و الی ... ختم می‌شود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد امام دین و اسلام و عدالت و انسانیت را صراط مستقیم می‌داند و اگر به تعبیر امام سیاست نیز صراط مستقیم است در واقع امام سیاست واقعی را همان دین و اسلام و عدالت و انسانیت می‌داند و از آن روست که می‌فرماید: «اسلام تامش سیاست است» (امام خمینی ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۷۰) «دیانت همان سیاستی است که

مردم را از اینجا حرکت می‌دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است. آن‌ها را از آن راه می‌برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۷)

اما در نگرش به سیاست از دیدگاه اشخاصی همچون ماکیاولی، همه چیز فدای قدرت و سیاست می‌شود و انسان و جامعه انسانی ابزاری در اختیار و در خدمت قدرت و سیاست و برده‌ی آن محسوب می‌شوند که این طرز نگرش نه تنها باعث رشد و شکوفایی و تکامل انسان و استعدادهای او نمی‌گردد؛ بلکه تمامی ارزشها و اخلاقیات انسان و جامعه انسانی را نیز به کلی نیست و نابود می‌سازد. بر خلاف نگرش امام (ره) که سیاست را ابزاری در خدمت تعالی انسان می‌داند که زمینه و بستر مناسبی را برای رشد و کمال هر چه بهتر انسان در مسیر لقاءالله فراهم نموده و در پیمودن صراط مستقیم الهی یاری می‌رساند. (نک: نیکولو ماکیاولی، شهریار، ۱۳۶۶ ش)

پس از بیان مصادیق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک، اکنون مصادیق صراط مستقیم برای اهل سلوک ذکر می‌گردد:

ب: مصادیق صراط مستقیم برای اهل سلوک

۱. انبیاء و رسول اکرم صلی ... علیه و آله و سلم صراط مستقیم

دین خدای متعال که همان صراط مستقیم است، شامل قوانین و دستورات و احکام خداوند است که به وسیله‌ی انبیاء علیهم‌السلام که در رأس آن‌ها رسول اکرم (ص) است به مردم ابلاغ شده و قول و فعل و تقریر انبیا و رسول اکرم (ص) تجسم علمی و عینی وحی الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: «یس* وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ* عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ» (یاسین: ۱-۴) «پس سوگند به قرآن حکیم که تو قطعاً از رسولان هستی، بر راه راست قرار داری» و در سوره‌ی نساء نیز آمده است: «مَنْ یُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۱۸) کسی که از رسول خدا صلی ... اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت کرده است.

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «در قلوب مؤمنین نوریست پنهان و روشن و آشکار نمی‌شود، مگر از پیروی حق و از سلوک در صراط مستقیم و آن شعاعیست از نور انبیاء که

در دل‌های مؤمنین جاودان شده است» (امام صادق (ع)، بی‌تا: ص ۲۴۹) اطاعت از رسول خدا (ص) اطاعت از خداست. راه رسول اکرم (ص) راه خداست. قدم گذاشتن در راه رسول اکرم (ص) نیز قدم گذاشتن در مسیر خدا و توحید و دوری از شرک است. امام خمینی ضمن اشاره به صراط مستقیم بودن انبیاء الهی و در رأس آن‌ها خاتم‌الانبیاء رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «انبیاء مظاهر حق و نشانه‌های حقیقت و هادیان صراط مستقیم و وسایل قرب پیشگاه پروردگار متعال هستند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۲۶۹)

۲. امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ائمه اطهار صراط مستقیم

امیرالمؤمنین علی (ع) و ائمه اطهار علیهم‌السلام جانشینان رسول اکرم (ص) هستند که هادی و ادامه‌دهنده‌ی راه مستقیم رسول اکرم (ص) هستند. بعد از رسول خدا، اطاعت از دوازده نور معصوم واجب است. اطاعت از ائمه اطهار علیهم‌السلام، اطاعت از رسول خدا و اطاعت از رسول خدا، اطاعت از خداوند است. درباره‌ی صراط مستقیم بودن مولا علی (ع) روایات فراوانی از سوی فریقین نقل شده است. امام صادق (ع) فرمود: «منظور از صراط مستقیم در سوره حمد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است» (ابن‌بابویه، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۰) فضل بن عمر گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: صراط چیست؟ فرمود: راهی به سوی شناختن خدای بزرگ است و صراط دو گونه است: یکی صراط در دنیا و دیگری صراط در آخرت؛ اما صراط دنیا امام است که فرمان‌برداری از او واجب است. هر کس که در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را بکار بست، در آخرت از صراط که پلی است بر روی جهنم، خواهند گذشت و هر کس در اینجا امام خود را شناخت هنگام گذشتن از صراط آخرت گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد. (همان، ص ۶۸)

امام خمینی نیز با استناد به روایات متعدد مصداق عینی صراط مستقیم را امیرالمؤمنین (ع) و ائمه‌ی اطهار دانسته و می‌فرماید: «اگر در این عالم به راه راست نبوت و طریق مستقیم ولایت قدم زده باشی و از جاده ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام اعوجاج پیدا نکرده باشی و لغزش پیدا نکنی، خوفی برای تو در گذشتن از صراط نیست، زیرا که حقیقت صراط صورت باطن ولایت است.» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۹) ایشان در تفسیر سوره

حمد اشاره می‌کند به آیه: «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (ملک: ۲۲) آیا آن کس که بر روی صورت خود راه می‌رود با آن کسی که مستقیم راه می‌رود کدام بهتر هدایت یافته‌اند؛ و می‌فرماید احادیث شریفی در ذیل این آیه «صراط مستقیم» را به حضرت امیرالمؤمنین و حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام تفسیر فرمودند: «... عن الكافي باسناده عن ابي الحسن الماضي عليه السلام، قال: قلتُ: (أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) قال: ان الله ضرب مثلاً من حاد عن ولايه على عليه السلام لمن يمشى على وجهه لا يهتدى لامره و جعل من تبعه سويا على صراط مستقيم و صراط مستقيم امير المؤمنين عليه السلام... فرمود: خدای تعالی در این آیه شریفه مثلی زده است و آن مثل کسانی است که اعراض نمودند از ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که آن‌ها گویی راه می‌روند به روی‌های خود و به هدایت نرسند و کسانی را که متابعت آن حضرت نمودند، قرار داده به راه مستوی و راست و صراط مستقیم امیرالمؤمنین علیه‌السلام است» (کلینی، بی تا: ج ۲، ص ۴۳۲)

رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «یا علی تویی باب... و تویی راه به سوی خدا و تویی نبأ عظیم و تویی صراط مستقیم.» (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۷) در ترجمه و شرح نهج‌البلاغه نیز آمده است: «چگونه حیران و سرگردان هستی (که صراط مستقیم و راه راست را نمی‌بینی) و حال آنکه عترت پیغمبر شما (ائمه اطهار) در میان شما است و آن‌ها پیشوایانی هستند که مردم را به راه حق می‌کشند» (فیض الاسلام، بی تا، ج ۱: ص ۲۱۹)

حسکانی عالم سنی در کتابش آورده است: سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی... فرمود: یا علی، أَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنْتَ يَعُثُوبُ الْمُؤْمِنِينَ! یا علی تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سرکرده‌ی مؤمنان هستی. (حسکانی، بی تا: ص ۴۱)

رسول خدا (ص) فرمودند: «هرکسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولی و وصی و مصاحب و خلیفه من، علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را بپذیرد و بر دل بسپارد و هرکسی می‌خواهد در آتش جهنم سرنگون شود ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را رها کند به عزت و جلال

پروردگرم سوگند، علی علیه السلام باب الله است. هیچ کسی وارد نمی شود مگر از باب و او صراط مستقیم است علی علیه السلام آن کسی است که خداوند در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهند کرد.» (همان) همان طور که می بینیم احادیث متواتر بسیاری از شیعه و سنی آمده است که صراط مستقیم امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ بنابراین امیرالمؤمنین و به تبع آن حضرت اولاد معصومش نیز صراط مستقیم و راه روشن خدا هستند. مولانا چنین سروده است:

مهدی هادی وی است ای راه جو هم نهان و هم نشسته پیش روی

جلال الدین همایی در معنای بیت می گوید: «یعنی آن ولی قائم، مهدی و هادی صراط مستقیم الهی است. خواه پنهان و غایب و خواه حاضر و پیش روی ما نشسته باشد، در هر دو حال همای شفقت و هدایت و عنایتش بر سر ما بال گسترده است و فیض روحانیت او بما می رسد.» (همایی، ۱۳۸۵: ج ۲: ۸۵۰)

از حضرت صادق علیه السلام وارد است که «ان الصراط امیرالمؤمنین علیه السلام، صراط خود امیرالمؤمنین علیه السلام است و این روایت یک معنی دقیق و عجیبی دارد؛ زیرا نمی گوید صراط، صراط امیرالمؤمنین است. بلکه می گوید: صراط امیرالمؤمنین است؛ یعنی نفس مقدس آن حضرت و افعال و اقوال وی، خود صراط است.» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱: ص ۵۴) صراط مستقیم در قرآن فقط اهل بیت علیه السلام است. در خطابه‌ی غدیر تأکید شده است که صراط مستقیم فقط راه امامان علیهم السلام است. (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۲) سلیم از قول مقداد می گوید: «مولا علی علیه السلام است صاحب مقام اعظم و راه حتمی که طریق آن آباد است و او صراط مستقیم خداوند است.» (هلالی، بی تا، ص ۵۴۴)

۳. انسان کامل صراط مستقیم

بین راه و رونده پیوند وجودی است که آن دو را به هم متحد و متصل می کند و سپس رونده را به راه متصف می کند و بعد از این اتصاف، صراط را می توان به سالک آن نسبت داد. پس سالک و مسلک باهم متحد هستند. وقتی سالک احکام و قوانین و دین خدا را که صراط مستقیم است، به درستی فهمید و به آن عمل کرد خود سالک صراط مستقیم می شود و از این جهت است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَاللَّهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ

المُسْتَقِيمُ» (حویزی، ۱۴۱۵: ص ۲۲)

خدای متعال بر صراط مستقیم می‌باشد. «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» تمامی موجودات، نیز به میزان استعداد و ظرفیت خویش در صراط مستقیم هستند. انسان به عنوان خلیفه خدا، اشرف مخلوقات، تجلی اسماء و صفات الهی، بر صراط مستقیم قرار دارد. انسان کامل مصداق صراط مستقیم است و مؤمنین نیز به دلیل تبعیت از انسان کامل، در صراط مستقیم قرار دارند. «انسان کامل اسم جامع و مرآت تجلی اسم اعظم است» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۶۳۵)

امام (ره) صراط مستقیم را بالاصاله مختص نبی اکرم (ص) و بالتبع برای دیگر اولیاء، انبیا و سایر مؤمنین دانسته و می‌فرماید: «حق تعالی به مقام اسم جامع و رب الانسان بر صراط مستقیم است. چنانچه می‌فرماید: «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و مربوط آن ذات مقدس بدین مقام نیز بر صراط مستقیم است و مؤمنین چون تابع انسان کامل هستند در سیر و قدم خود را جای قدم او گذارند و به نور هدایت و مصباح معرفت او سیر کنند و تسلیم ذات مقدس انسان کامل هستند و از پیش خود قدمی برندارند و عقل خود را در کیفیت سیر معنوی الی... دخالت ندهند از این جهت صراط آنها نیز مستقیم و حشر آنها با انسان کامل و وصول آنها به تبع وصول انسان کامل است، به شرط آن که قلوب صافیه خود را از تصرفات شیاطین و انیت و انانیت حفظ کنند و یکسره خود را در سیر تسلیم انسان کامل و مقام خاتمیت کنند. (همان: ص ۵۹۰، ۵۹۱)

و البته امام خمینی صاحبان این سعادت را برای کسانی می‌داند که عنایات و توجهات خاص نصیب آنها شده و از اول راست و مستقیم حرکت کرده‌اند: «و این سعادت برای من و امثال من رخ نمی‌دهد. کسانی که عنایات خاصه، توجهات ربانیه و کرامات تامه نصیب آنها شده و دست ازل به یاری دوست به مساعدت آنها دراز شده و اهل پاک به آنها اعطا شده و خمیره لایق برای منصب امامت تا خاتم به آنها داده شده و از نقطه اول راست و مستقیم حرکت نموده‌اند و اصلااب شامخه و ارحام مطهره را سیر کرده‌اند و تحت تربیت شمس الشمس با همان پاکی که از نقطه مشترک آمده بودند به سلامت از طبیعت گذشتند.» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۲۵)

امام خمینی حرکت استکمالی و طی کردن صراط مستقیم به سلامت را بخصوص انسان کامل می‌داند و می‌فرماید: «نایره طبیعت و مقتضیات شهوت خاموش گشته و آتش طبیعت سرد شده و غول‌های بیابانی خواب بوده‌اند...» «جزنا وهی خامدة» تا به مطلق مشرق «حتی مطلع الفجر» رسیدند و این سلامت در سیر امت (ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى) (فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) (أَلَا يَذُكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ) (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً) با کمال خوشنودی و به دلخواه محبوب سفر را انجام داده و از نقطه مطلع خارج شده و به آن نقطه عود نموده و به‌طور استقامت در اسم اعظم الهی و لفظ جلال الله که راست بوده و هیچ اعوجاجی ندارد داخل شدند. چنانکه حضرت رسول فرمود: «راه من مستقیم و راه‌های دیگر کج و معوج است» زیرا بین دو نقطه، ترسیم نمودن بیش از یک خط مستقیم، محال است. پس آنکه رسیده شده و در هیچ مقامی توقف نداشته و حرکت استکمالی را لاینقطع در دو قوس نزولی و صعودی طی نموده است، انسان کامل است.» (ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى) (همان، ص ۳۲۶)

امام خمینی برای سیر انسان کامل هیچ محدودیتی قائل نیست و سیر مقامات انسان کامل را در صراط مستقیم را به گونه‌ای می‌داند که اصلاً در وهم انسان نیز نمی‌گنجد: «یگانه موجودی که برای سیر آن حد و مقامی نیست انسان کامل است که در این قوس ترقی و استکمال، به گونه‌ای استعداد سیر دارد که می‌تواند به مقامی که به وهم تو ناید، برسد. (همان) ایشان مصداق بزرگ انسان کامل را خاتم انبیاء رسول اکرم (ص) دانسته و می‌فرماید: «و انسان کامل نور انور محمدی صلی ... علیه و آله و سلم است که او انسان کامل است. خَلَقْتُكَ لاجلی» خدا بنی آدم را برای خودش خلق فرموده است البته نه آن بنی آدمی که نارس مانده است، بلکه آن آدمی که سلامت مانده و «مطلع الفجر» شده است. (همان) از منظر امام انسان کامل هم مشی و حرکت معنوی‌اش بر صراط مستقیم است و هم خود انسان کامل صراط مستقیم است. «و ما پیش از این، بیان آن که انسان کامل مشی و حرکت معنوی‌اش بر صراط مستقیم می‌باشد کردیم و اما بیان آن که خود انسان کامل صراط مستقیم است اکنون از مقصد ما خارج است» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۵۹۴)

۴. حضرت فاطمه سلام... علیها صراط مستقیم

امام در آثارشان حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) را با عناوین و اوصاف مختلفی توصیف می‌کند، عناوینی همچون: شب قدر، انسان کامل، انسان ملکوتی، جبروتی و... و صراط مستقیم یکی از مصادیقی است که حضرت امام به‌طور غیرمستقیم برای حضرت فاطمه سلام... بکار می‌برند. حضرت فاطمه صراط مستقیم است؛ چراکه با قرار گرفتن در مسیر ایشان می‌توان به سعادت و رضایت و خشنودی خداوند رسید؛ چراکه خشنودی فاطمه (س) خشنودی رسول اکرم (ص) و مایه رضایت خداوند است. حضرت فاطمه (س) مظهر انسان کامل و بر صراط مستقیم است؛ بلکه ایشان، خود صراط مستقیم است. تمام فضیلت‌های انسانی در حضرت فاطمه (س) جمع شده است. امام (ره) انسانیت را صراط مستقیم می‌داند و از طرفی حضرت فاطمه را تمام نسخه‌ی انسانیت می‌داند: «یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه‌ی انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، او موجود ملکوتی است که در عالم به‌صورت انسان ظاهر شده است. تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد. تمام در این زن است. زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست. زنی که اگر مرد بود نبی بود. زنی که اگر مرد بود جای رسول... بود. معنویات، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی همه در این موجود مجتمع است. انسانی به تمام معنا انسان، زنی است به تمام معنا زن.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۳۷)

«این صورت طبیعی نازل‌ترین مرتبه‌ی انسان است و نازل‌ترین مرتبه‌ی زن است و نازل‌ترین مرتبه مرد است، لکن از همین مرتبه‌ی نازل حرکت به‌سوی کمال است، انسان موجود متحرک است، از مرتبه‌ی طبیعت تا مرتبه‌ی غیب تا فنا در الوهیت، برای صدیقه‌ی طاهره این مسائل، این معانی حاصل است از مرتبه‌ی طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است، حرکت معنوی، با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول... صلی... علیه و آله و سلم مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷: ص ۳۳۷)

نتیجه گیری

عرفان، راه و طریق صحیح رشد و کمال و رسیدن به لقاءالله است و درست‌ترین راه رسیدن به لقاء الهی نیز صراط مستقیم است که انسان با قرار گرفتن در آن، مسیر رشد و کمال خویش را طی نموده و از اضطراب و اندوه‌رهایی یافته و حیاتش معنا دار می‌گردد. با عنایت به اهمیت صراط مستقیم در هدایت و رشد و کمال انسان پژوهش حاضر به این مهم پرداخته و مصادیق آن را از دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) و با روش تحلیلی - توصیفی بررسی نموده است. مصادیق مذکور گاهی از صریح کلام حضرت امام (ره) و گاهی از فحوای کلام ایشان استخراج شده است. ایشان در مصادیق صراط مستقیم برای اهل سلوک و غیر اهل سلوک تفاوت قائل شده‌اند و رسول خدا (ص)، ائمه اطهار (ع)، امیرالمؤمنین (ع)، انسان کامل و حضرت زهرا (س) را مصادیق برای اهل سلوک دانسته‌اند؛ و دین، اسلام، عدالت، انسانیت و سیاست را نیز مصادیق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک برشمرده‌اند. از آنجایی که صراط مستقیم و مصادیقی مانند سیاست و انسانیت با اندیشه‌ها و مکاتبی همچون پلورالیسم و ماکیاولیسم و اومانیزم، مرتبط هستند؛ لذا به‌طور ضمنی این موارد نیز مورد تعریض و نقد واقع شده است.

نکته حائز اهمیت درباره قرآن کریم جامعیت فوق‌العاده آن است؛ چراکه قرآن نه تنها مصداق بارز صراط، بلکه منبع هدایت همه انسان‌ها در مسیر سلوک به سوی خدای متعال است. علاوه بر این‌ها کتاب الهی هم مصداق صراط مستقیم برای غیر اهل سلوک است و هم برای اهل سلوک و اهل کُمل و کسانی است که خود مصداقی برای صراط مستقیم و اسبابی برای هدایت بقیه انسان‌ها هستند؛ همین حالت استثنائی و عمومیت اعجاز گونه قرآن باعث شده است که تمامی اقسام و مصادیق صراط مستقیم را هم شامل بشود.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، بی‌تا، معانی الاخبار، ترجمه محمدی، تهران
۲. _____، بی‌تا، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی شاهرودی، دارالمکتب الاسلامیه
۳. _____، بی‌تا، ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، نشر صدوق. تهران
۴. امام خمینی، روح‌الله، بی‌تا، کشف الاسرار
۵. _____، تفسیر سوره حمد، ۱۳۹۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران
۶. _____، تقریرات فلسفه امام، بی‌تا، هادی بن مهدی سبزواری و عبدالغنی موسوی اردبیلی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. بی‌جا
۷. _____، سرالصلوة، ۱۳۹۲، مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی. چاپ ۶. تهران
۸. _____، شرح جنود عقل و جهل، ۱۳۸۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ نهم. قم
۹. _____، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۰، چاپ ۲۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم
۱۰. _____، صحیفه، ۱۳۸۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. _____، ۱۳۸۷، وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی چاپ ۱۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران

۱۲. _____، آداب الصلوة، ۱۳۸۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران
۱۳. امام صادق علیه السلام، بی تا، مصباح الشریعه، ترجمه‌ی حسن مصطفوی، منسوب به جعفر بن محمد، انجمن اسلامی و حکمت و فلسفه ایران _ تهران
۱۴. انصاری، محمدباقر، بی تا، غدیر در قرآن، چاپ اول، دلیل ما: قم
۱۵. تونی دیویس، اومانیسیم، ترجمه عباس مخبری، ۱۳۷۸ ش، نشر مرکز، چاپ اول، تهران
۱۶. جوادی آملی، شیخ عبدالله، ۱۳۷۸، تفسیر تسنیم، چاپ نهم، نشر اسراء. قم
۱۷. حسکانی، عبید... بن عبدالله، بی تا، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مترجم: احمد روحانی، دارالمهدی، قم
۱۸. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۱، هزار و یک کلمه، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم
۱۹. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۸ ش، اسلام شناسی، چاپ اول، بوستان کتاب قم
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم، بیروت
۲۱. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۶ ش، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ سوم، تهران
۲۲. زرشناس، شهریار، واژه نامه فرهنگی - سیاسی، ۱۳۸۳ ش، کتاب صبح، چاپ اول، تهران
۲۳. سلیمانی آشتیانی، مهدی درایتی، محمدحسین، ۱۳۸۷، مجموعه رسایل در شرح احادیثی از کافی، ناشر: دارالحدیث، قم
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، بی تا، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین علمیه قم - قم
۲۵. طبرسی، فضل، ۱۳۸۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری. ناشر: مرتضوی. تهران
۲۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵، تفسیر نورالثقلین، محقق، سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر: اسماعیلیان. قم

۲۸. فیض کاشانی، ملا حسن، ۱۳۸۱، دیوان فیض کاشانی، محقق: مصطفی فیض کاشانی
انتشارات اسوه. قم
۲۹. فیض الاسلام، محمد بن حسین، شریف رضی، بی تا، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مترجم:
علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، ناشر: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، تهران
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، ناشر:
کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة تهران
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ناشر: اسوه، قم
۳۲. ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۶۶ ش، شهریار، ترجمه داریدش آشوری، نشر پرواز، تهران
۳۳. هلالی، سلیم بن قیس، بی تا، اسرار آل محمد علیهم السلام، مترجم: اسماعیل انصاری
زنجان‌نی خوئینی. نشر الهادی قم
۳۴. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۸۵، مولوی نامه، چاپ دهم، نشر هما، تهران.